

## کتاب

اقتصاد  
برنامه‌گریز  
نداریم

اقتصاد ایران را برنامه‌گریز نمی‌دانم، اما ما در خیلی از مواقع، از پیش‌بینی مواردی غافل می‌شویم که در خلال و فرایند اجرای برنامه اتفاق می‌افتد. مثلاً زمانی که برنامه پنجم نوشته می‌شد، شکل و شمایل تحریم‌ها اینگونه نبود. لذا باید برای این موضوع فکری اساسی کرد که اگر شرایط اجرای برنامه با شرایط هنگام تدوین برنامه تغییر کند قابلیت اصلاح وجود داشته باشد تا شاید به جای واژه «برنامه‌گریز» واژه دیگری جایگزین شود! اما بنده چون با افرادی مثل آقای پژویان بارها صحبت کرده‌ام، یقین دارم که ایشان با داشتن نقشه راه به مفهوم بلند مدت مخالفتی ندارد. ایشان در محافل کارشناسی به کرات تأکید داشته‌اند که برای اقتصاد ایران باید نقشه راه داشته باشیم. نقشه هم می‌تواند یک نوع برنامه باشد. به نظرم ایشان اصل موضوع را نفی نکرده است. ماهیت و ویژگی‌های این سند و یا برنامه بسیار مهم است. اینکه موضوعات مختلف و متفرق را کنار هم جمع کنیم برنامه نیست. همین الان کافی است کتاب قانون برنامه را با هم چند صفحه‌ای ورق بزنیم، خواهیم دید خیلی از احکام برنامه ارتباطی با موضوعات برنامه‌ای ندارد.

# سرانجام حذف ۳ صفر پول ملی چه شد؟

اجرای چنین طرح‌هایی نیازمند فضایی آرام در اقتصاد کشور است و در دولت‌های نهم و دهم به سرانجام نرسید، البته تا آنجا که می‌دانم این طرح همچنان در دستور کار بانک مرکزی است

## گزارش

انتشار جلد نخست کتاب محرمانه‌های اقتصاد ایران که به بررسی تحولات سال‌های ۸۴ تا ۹۲ اقتصاد ایران اختصاص دارد، مجموعه گفت‌وگوهایی است که با سیدشمس‌الدین حسینی؛ وزیر امور اقتصادی و دارایی آن سال‌ها توسط میثم و مهدی مهرپور انجام شده است. حسینی درباره تحولات آن دوره سخن گفته و دلایل برخی تصمیمات اقتصادی دولت محمود احمدی‌نژاد را بیان کرده است. در این شماره وی به مباحثی مانند شکل‌گیری شورای رقابت، حذف ۳ صفر از پول ملی و... پرداخته است.

یکی از اتفاقاتی که در دوران شما رخ داد شکل‌گیری نهادی به نام شورای رقابت بود. لطفاً در مورد فلسفه تشکیل این شورا و چگونگی ورود جمشید پژویان به تیم دولت توضیح بدهید.

در نظام اقتصادی ما، شورای رقابت ریشه در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی دارد. حتی قبل از ابلاغ این سیاست‌ها، اگر احکام و قوانین برنامه‌های توسعه را بررسی کنیم، خواهیم دید که غیررقابتی و انحصاری بودن ساختار بازار در بسیاری از حوزه‌های اقتصاد ایران همیشه یک دغدغه بوده است و ما به تنظیم انحصارات ساختار بازارها نیاز داریم. همان‌طور که می‌دانید رشته اقتصاد صنعتی بعد از تکمیل انقلاب صنعتی در راستای تکمیل علم اقتصاد در دنیا به وجود آمد. مهم‌ترین موضوع اقتصاد صنعتی، مطالعه ساختار، رفتار و عملکرد بازار است. فرض اینکه، ساختار بازارها، درجه تمرکز، تعداد تولیدکنندگان و متقاضیان، سهم

آنها از بازار و... بتواند روی رفتار آنها و در نتیجه عملکرد و کارایی بازار اثر بگذارد، باعث شده است در دنیا نهادهایی تحت عنوان نهادهای ضد انحصار یا مشابه آن ایجاد شود. با تکمیل این نظریه‌ها و تبدیل به مباحث اقتصاد رقابتی، این موضوع به مسأله‌ای فراتر از مقابله با انحصار تبدیل شد. در زمان مسئولیت آقای محمد شریعتمداری در وزارت بازرگانی، آقای دکتر دژپسند معاون وزیر و بنده مدیرکل دفتر بررسی‌های اقتصادی بودیم. اساساً مباحث مربوط به شورای رقابت در همان سال‌ها در وزارت بازرگانی با محوریت دفتر بررسی‌های اقتصادی، لایحه‌ای تحت عنوان تسهیل رقابت تهیه کردیم. آقای دکتر پژویان یکی از افرادی بود که آن زمان به عنوان یک عضو ثابت در جلسات ما حضور داشت. در اواخر دولت آقای خاتمی، این لایحه پس از تصویب توسط دولت به مجلس فرستاده شد.

با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴، به دلیل تأکید این سیاست‌ها بر مسأله رقابت، با هماهنگی‌هایی که صورت گرفت این لایحه به عنوان بخشی از

که به شورای رقابت بیاید. سپس با رئیس‌جمهور درباره آمدن دکتر پژویان حرف زدم و نظر ایشان را نیز جلب کردم. از آنجا که نهایتاً رئیس شورای رقابت باید توسط اعضای شورا و از بین سه اقتصاددان انتخاب می‌شد با رایزنی‌هایی که صورت گرفت آقای دکتر پژویان توسط اعضای شورا و با حکم رئیس‌جمهور به ریاست شورای رقابت انتخاب شد. حتی بعد از روی کار آمدن دولت یازدهم، طبق قانون دکتر پژویان اگر می‌خواست تا پایان این دوره می‌توانست رئیس شورای رقابت بماند. اما به نظر من وی به این جمع بندی رسید که در دولت جدید چه بسا پشتیبانی لازم از شورا صورت نگیرد، لذا از ریاست شورا استعفا کرد. برداشت شخصی من در مورد ریاست شورای رقابت این بود که از همان ابتدای کار بایستی یک اقتصاددان برجسته ریاست این شورا را بر عهده بگیرد تا به اعتبار و وزن این شورا کمک شود. انصافاً با توجه به مدت زمانی که می‌توان گفت: «اهمیت آن در اقتصاد ایران جا افتاده است.»

وقتی آقای پژویان توسط شما به احمدی‌نژاد معرفی شد و وی نیز نظر موافق خودش را نسبت به دکتر پژویان اعلام کرد، از خودم پرسیدم چطور می‌شود فردی مانند جمشید پژویان که دارای یک شناسنامه سیاسی-اقتصادی کاملاً مشخص و خاص بوده و جزء مدافعان سیاست‌های تعدیل اقتصادی و از جمله اقتصاددانان لیبرال کشور محسوب می‌شود، در دولت

احمدی‌نژاد پستی به این مهمی بگیرد، خود شما چطور این مسأله را توجیه می‌کنید؟ البته من فکر می‌کنم این حرف‌ها بیشتر نظرات فردی شماست.

آقای دکتر! این موضوع مورد اتفاق نظر بسیاری از دوستان من هم بود.

تحلیل من این است که این حرف‌ها بیشتر توسط گروه‌های خاص و به صورت هدف‌دار مطرح می‌شد و کسانی که به این مباحث دامن می‌زدند، عمدتاً کسانی بودند که دوست داشتند خود یا اطرافیان‌شان وزیر اقتصاد یا رئیس شورای رقابت باشند. من به یاد ندارم دکتر پژویان جزء اقتصاددانان طرفدار سیاست تعدیل بوده باشد. من به صراحت می‌گویم دکتر پژویان را با توجه به سوابق علمی که از وی سراغ داشتم انتخاب کردم. پژویان در همه این سال‌ها، از زمانی که پس از اتمام تحصیل به ایران بازگشته است به عنوان یک اقتصاددان عالم بدون کوچکترین صبغه و نگاه سیاسی حرف‌هایش را زده و نظراتش را مطرح کرده است. اتفاقاً آقای پژویان از بسیاری از افرادی که ادعای حمایت از دولت احمدی‌نژاد را داشتند نسبت به دولت وفادارتر بود. منتها وفاداری دکتر پژویان نسبت به دولت نه از احساس، بلکه از جنس وفاداری علمی و کارشناسی بود، کما اینکه جاهایی انتقاد هم کرده است.

در مدت شکل‌گیری شورای رقابت به عملکرد شورا و ریاست آن

